

# افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد  
بدین بوم ویر زنده یک تن مباد  
همه سر به سر تن به کشتن دهیم  
از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Literary-Cultural

ادبی - فرهنگی

استاد محمد نسیم «اسیر»

## باز هم یادی از پیری!!!

به ارتباط شعر «ذلت پیری» از دوست گرانقدرم، شاعر شیرین کلام، جناب تیمورشاه تیموری، منتشره 21 می 11 در سایت محبوب "افغانستان آزاد - آزاد افغانستان"، خواستم شعری تقدیم حضور شان بکنم که اینک پیشکش می شود:

شادم که شعر پیری من، دلپذیر شد  
بیجانگفته ام، به کلامش شکرشکن  
اینجانوای گوشنوازش، نواخت گوش  
عمر مرا که خواسته، بیش از نود شود  
از حد گذشت عمر، به این حد نمی رسد  
زین گیر و دار عمر، چه افسانه گویمت  
«پیری رسید و مستی طبع جوان گذشت»  
یاد آنکه نونهای برومند بود «اسیر»  
آن روزگار، یاد که در خدمت وطن  
بامزه ای بهم زدن، آن دوره ها گذشت  
مد نگاه تیموری خوش ضمیر شد  
کاین شاعر خجسته به شعرش شهیر شد  
آنجا کلام قند ترازش به شیر شد  
آمد کهولت و دگر آن دوره دیر شد  
شست و شکست بر شد و هفتاد زیر شد  
نشنیده ای که طفل صغیری، کبیر شد  
موی سیاه، سپید به مانند شیر شد  
امروز حیف، حیف که پیر و زهیر شد  
گاهی دبیر شعبه و گاهی مدیر شد  
وان لحظه نشاط عجب تیر و بیر شد

خوبست این مناظره با شعر «تیموری»

یک مصرع از سروده شعر «اسیر» شد

(فرانکفورت - 23 می 2011)